

پیامدها و نتایج مهندسی فرهنگی امام صادق علیه السلام

مهدی نیک‌آفرین*

فاطمه جان‌احمدی**

چکیده

وجود انحرافات فرهنگی و بدعت‌های دینی در عصر امویان، لزوم بازنگری در فرهنگ اسلامی به‌ویژه فرهنگ مذهب تشیع را فزونی بخشیده بود. مناسب‌ترین شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مختص عصر امامین صادقین علیهم السلام بود که فرصتی مناسب برای انجام فعالیت‌های فرهنگی را فراهم آورد. امام صادق علیه السلام از بسترها و زمینه‌های موجود عصر خویش بهره جست و توانست با انجام فعالیت‌های فرهنگی گسترده، نظام فرهنگی جامعه شیعه را طراحی و مدیریت نماید. هدف مقاله حاضر پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین پیامدها و نتایج مهندسی فرهنگی امام صادق علیه السلام چه بود؟ با بررسی منابع و گردآوری و پردازش اطلاعات به شیوه توصیفی - تحلیلی نتایج ذیل حاصل شد:

مهم‌ترین دستاوردهای تلاش و فعالیت امام صادق علیه السلام، توسعه تشیع، نظام‌مند شدن عقاید و باورها، شکل‌گیری تشکیلات سیاسی، پویایی فقه شیعی و شکل‌گیری نظام آموزشی منسجم می‌باشد. در واقع مهندسی فرهنگی امام صادق علیه السلام از طرفی موجبات شکل‌گیری ساختار فرهنگی شیعه و از طرف دیگر زمینه‌های پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی را فراهم آورد.

واژگان کلیدی

امام صادق علیه السلام، فرهنگ، مهندسی فرهنگی، جامعه شیعه، تمدن اسلامی.

m.nikafarin@yahoo.com

janahmad2004@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۱۶

*. کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن اسلامی.

** دانشیار دانشگاه الزهراء علیها السلام.

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۳۰

طرح مسئله

مسائل فرهنگی از جمله مهم‌ترین مسائل هر جامعه‌ای به‌شمار می‌آید. عوامل مختلفی از جمله دین، اعتقادات و باورها در شکل‌گیری و تداوم فرهنگ‌ها تأثیرگذار است. امامان معصوم علیهم‌السلام به‌عنوان رهبران دینی جامعه تشیع، نقش مهمی در شکل‌گیری و پویایی فرهنگ شیعی ایفا کرده‌اند. در این میان، نقش امام صادق علیه‌السلام به‌دلیل فرصت‌ها و زمینه‌های موجود در عصر ایشان برجسته‌تر است. امام صادق علیه‌السلام ساختار فرهنگی جامعه تشیع را سامان‌دهی نموده و تحولی شایسته در پیشرفت فرهنگی جامعه اسلامی ایجاد نمود. ایشان با طرح‌ها و ابتکاراتی که آفریدند، شئون مختلف جامعه شیعه را مهندسی کردند. در دوره‌های بعدی شیوه آن حضرت در مهندسی فرهنگی توسط دیگر ائمه علیهم‌السلام تداوم پیدا کرد. قطعاً اصلاح ساختار فرهنگ جامعه با برنامه‌ریزی جامع فرهنگی میسر بود که آن هم وابسته به مدل و الگوی فرهنگی است. مهندسی فرهنگی امام صادق علیه‌السلام می‌تواند الگوی عملی قابل‌اتکایی را برای سامان‌دهی نظام فرهنگی جامعه اسلامی ارائه نماید. از این‌رو شناخت و معرفی پیامدها و نتایج حاصل از فعالیت‌های فرهنگی ایشان ضروری به‌نظر می‌رسد.

در زمینه مهندسی فرهنگی امام صادق علیه‌السلام تحقیقات قابل‌توجهی انجام نگرفته است. البته در لابه‌لای تحقیقاتی که درباره آن حضرت صورت گرفته، به‌صورت استطرادی اشاراتی به فعالیت‌های حضرت مشاهده می‌شود، ولی به‌هیچ‌عنوان چنین توجهاتی انعکاس‌دهنده تصویری کامل از پیامدها و نتایج مهندسی فرهنگی امام صادق علیه‌السلام نیست. دکتر عادل ادیب در بخشی از کتاب خود به‌نام *زندگانی تحلیلی پیشوایان ما*، دکتر احمدرضا خضری در قسمتی از کتاب *تاریخ تشیع*، رسول جعفریان در کتاب *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، علی محمدعلی الدخیل در کتاب *ائمتنا*، هاشم معروف الحسینی در کتاب *سیره الائمة الاثنی عشر* و همچنین استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب *ارزشمند سیری در سیره ائمه اطهار* به بخشی از فعالیت‌های فرهنگی امام صادق علیه‌السلام پرداخته‌اند.

در مقاله حاضر تلاش شده است با توصیف و تحلیل داده‌های تاریخی و روایی، مهم‌ترین پیامدها و نتایج مهندسی فرهنگی امام صادق علیه‌السلام بررسی شود.

مفهوم‌شناسی

الف) فرهنگ

فرهنگ در لغت به‌معنای دانش، حرفه، علم، فنون، هنر، آموختن، به‌کار بستن ادب، بزرگی، سنجیدگی، کتاب لغت، آموزش و پرورش، تربیت، آیین و رسوم و عقل به‌کار رفته است.^۱ در اصطلاح

۱. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، ص ۵۳۴۷.

نیز مقوله یا مفهوم فرهنگ دارای معانی بسیار و ابعاد استعمالات گوناگون و وسیعی است. برخی کاربرد فرهنگ را صرفاً در بُعد معنوی یا روحیات می‌بینند و برخی آن را به‌مثابه ارزش‌هایی که یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی‌ای که تولید می‌کنند، تعریف نموده‌اند.^۱ کلمه فرهنگ در اصطلاح علمی در مقابل واژه تمدن به کار می‌رود و با وجود تمایز دقیق بین حوزه‌های معنوی و مادی در دستاوردهای بشری، فرهنگ را برای حوزه‌های معنوی و روحی و تمدن را برای وجوه مادی به کار برده‌اند.

ب) مهندسی

واژه هندسه به معنای «اندازه» در زبان فارسی است که معرب گشته و مشتقاتی همچون مهندسی از آن ساخته شده است.^۲ مهندس، عالم به هندسه را گویند.^۳ بنابراین مهندسی تعبیری است که بر اندازه‌گیری، طراحی و نقشه‌پردازی در یک موضوع یا مقوله دلالت می‌کند.

ج) مهندسی فرهنگی

مهندسی فرهنگی به معنای ترسیم نقشه و هندسه‌پردازی برای شئون مختلف جامعه با رویکرد فرهنگی و از زاویه فرهنگ می‌باشد. «مهندسی فرهنگی» از جهت مفهوم‌شناسی، محتوا و ساخت زبانی با «مهندسی فرهنگ» تفاوت دارد. در «مهندسی فرهنگ»، مهندسی به فرهنگ اضافه شده و ترکیب از نوع اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) است. در این ترکیب مقوله «فرهنگ» متعلق و موضوع «مهندسی» است و آنچه که باید مهندسی شود، فرهنگ است نه چیز دیگر. ولی «مهندسی فرهنگی» تعبیری است پدیدآمده از یک ترکیب وصفی (صفت و موصوف) که به معنای تدبیر کردن، سامان بخشیدن، جهت دادن و اندازه کردن امور و شئون از نوع فرهنگی، با معیارهای فرهنگی و از زاویه فرهنگ می‌باشد. در این ترکیب متعلق مهندسی ذکر نگردیده و مشخصاً گفته نشده چه چیزی را باید مهندسی کنیم؛ درحالی که در «مهندسی فرهنگ» متعلق خود فرهنگ بود. بدین ترتیب در «مهندسی فرهنگی» متعلق بسیار وسیع گرفته شده است و می‌تواند علاوه بر فرهنگ، بسیاری از مقوله‌های دیگر را نیز شامل شود.^۴

۱. گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۳۶.

۲. معین، فرهنگ فارسی، ج ۴، ص ۵۲۰۵.

۳. همان، ص ۴۴۷۵.

۴. رشاد، «مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی؛ ماهیت، مبانی و مسائل»، ماهنامه زمانه، تیرماه ۱۳۸۶، ش ۵۸، ص ۲۶.

د) برنامه‌ریزی فرهنگی

برنامه‌ریزی فرهنگی عبارت است از تنظیم روندی از پیش طراحی‌شده برای رسیدن به اهداف مشخص و زمان‌بندی شده فرهنگی. در واقع برنامه‌ریزی فرهنگی ملاک تصمیم‌گیری‌های اجرایی فرهنگی است.^۱

بسترها و زمینه‌های مهندسی فرهنگی امام صادق (ع)

رخدادهای مهم واپسین سالیان حکمرانی امویان عرصه و مجالی برای رشد تکاپوهای فرهنگی شیعه فراهم آورد. شکل‌گیری بحران‌های سیاسی، اوج‌گیری شورش‌های اجتماعی، آغاز دعوت عباسیان، آشفتگی فرهنگی و شور و نشاط علمی در این دوره، از جمله مهم‌ترین زمینه‌های ترسیم شاکله فرهنگی تشیع در عصر امام صادق (ع) به‌شمار می‌آید.

بحران‌های سیاسی نظیر عدم مشروعیت نظام سیاسی، تعدد ولایتهای، تعصبات قبیله‌ای و شورش‌های اجتماعی در اواخر عصر اموی مانند قیام زید بن علی بن حسین در سال ۱۲۲ ق در کوفه، قیام فرزندش یحیی در سال ۱۲۵ ق در خراسان و شورش عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر طیار در سال ۱۲۹ ق، فرصت و قدرت تعقیب فعالیت‌های امام صادق (ع) را در بخش وسیعی از زندگی آن حضرت، از حکومت سلب کرده بود. از این رو امام (ع) در فضای مناسب‌تری توانست جامعه شیعه را رهبری نماید.

همچنین شعارهای دعوت عباسیان مثل شعار «الرضا من آل محمد (ص)» که طی چندین سال توسط بنی‌عباس بر گوش‌های مردم در مناطق مختلف نواخته شده بود، علی‌رغم میل خود بنی‌عباس، مردم را به بازشناسی آل محمد (ص) ترغیب کرده و فضا را برای معرفی وارثان اصلی مکتب پیامبر (ص) که در این دوره امام صادق (ع) در رأس آن قرار داشت، فراهم نموده بود. شعار ضد بیدادگری و عدالت‌خواهی عباسیان، یاد عدالت علوی را زنده می‌کرد و این موضوع به‌خصوص برای موالی و کسانی که از تبعیض‌های نژادی دستگاه اموی به ستوه آمده بودند، بسیار مهم بوده است.

به‌لحاظ زمینه‌های فرهنگی نیز جریان‌های فکری و مذهبی مثل زنادقه، مرجئه، معتزله، صوفیه، حنفی و مالکی در این دوره بر فعالیت خود افزودند و شور و نشاط علمی بی‌نظیری در دنیای اسلام شکل گرفت. فضای حاصل از این جریانات سیاسی و فرهنگی می‌توانست برای جامعه شیعه آسیب‌زا باشد. اما امام صادق (ع) این تهدیدها را به فرصت تبدیل نموده و از بسترهای موجود برای رشد فرهنگی جامعه اسلامی و مهندسی فرهنگی جامعه شیعه استفاده نمودند. مهندسی فرهنگی امام صادق (ع) پیامدها و نتایجی داشت که در ذیل به آنها می‌پردازیم.

۱. پیروزمند، مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی، ص ۱۱۷.

پیامدها و نتایج مهندسی فرهنگی امام صادق علیه السلام

الف) توسعه تشیع

بدون تردید جامعه شیعه در عصر امام صادق علیه السلام شاهد تحولی عظیم در ابعاد مختلف بوده است که توسعه تشیع از مصادیق بارز این تحولات به شمار می‌رود. بخش اعظم رشد کیفی و کمی شیعه، مرهون تلاش‌های بی‌بدیل امام صادق علیه السلام بوده و از دستاوردهای مهندسی فرهنگی آن حضرت به‌شمار می‌آید. از این رو ابتدا به روند توسعه تشیع و سپس به راهکارهای امام صادق علیه السلام در راستای حفظ جامعه شیعه از آسیب‌های پیش رو می‌پردازیم.

۱. روند توسعه تشیع در عصر امام صادق علیه السلام

گرچه به دنبال واقعه عاشورا احساسات مردم و به‌خصوص شیعیان تا حدی به سمت اهل‌بیت علیهم السلام معطوف گشت^۱ و امام سجاد و امام باقر علیهم السلام فعالیت‌های فرهنگی مهمی در جهت توسعه مبادی شیعه انجام دادند، لکن تبلیغات امویان علیه شیعه شدیدتر از آن بود که جماعت شیعه بتواند علناً فعالیت و رشد نماید. حکومت اموی، هم در صحنه سیاسی - اجتماعی برخورد سختی با دوستداران اهل‌بیت علیهم السلام داشت و هم در بعد فرهنگی با جعل احادیث و تحریف آنها به‌طور مداوم در تخطئه شیعه می‌کوشید.^۲ با این هجمه تبلیغات و تدابیر شدید امنیتی حکومت اموی علیه شیعه، در حاشیه ماندن شیعیان و فقر

۱. آثار شهادت امام حسین علیه السلام با ورود اسرا به کوفه و خطبه حضرت زینب علیها السلام و ابراز تأثر و گریه شدید مردم (ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۴) و همچنین سخنان پرشور و مؤثر امام سجاد علیه السلام و درخواستن بانگ شیون و اعلام فرمانبری کوفیان از امام سجاد علیه السلام (ابن طاووس، اللهورف، ص ۶۶) و تکرار این صحنه‌ها در شام و مدینه آغاز شده و در سال‌های بعد به شکل قیام علیه بنی‌امیه ظاهر می‌شود. قیام توأبین (۶۵ ق) که به دنبال احساس پشیمانی شدید کوفیان و قیام مختار (۶۶ ق) که با انگیزه و شعار خون‌خواهی امام حسین علیه السلام شکل گرفته بود، نمونه بارز تجلی احساسات و عواطف مردم در قالب قیام است. این اعتراضات در عصر امام صادق علیه السلام با قیام و شهادت زید بن علی علیه السلام و فرزندش یحیی ادامه یافت. قیام زید و یحیی به اندازه‌ای اثرگذار بود که مردم تا یک هفته عزای یحیی را به‌پا نمودند و در آن سال هر کودکی که در خراسان متولد شد، نامش را یحیی و یا زید گذاردند. (مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۲۲)

۲. هاشم معروف در این باره می‌نویسد: «حزب اموی پس از آنکه به شکل محوری‌ترین حزب در مخالفت با علی علیه السلام درآمد، هرچند از دیدگاه اکثر مسلمانان شرایط یک حاکم پذیرفته‌شده را نداشت، اما با همه وسایل برای استوار ساختن پایگاه دینی خود و تقویت آن دست به کار شد و به همین منظور، آزمندان و نیز کینه‌توزانی را که در پیرامون خود گرد آورده بود، برای جعل احادیثی که منزلت و ارج این حزب و خاندان اموی را بالا می‌برد و خلفای ثلاثه را بر همه مردم برتری می‌داد، به کار گرفتند و آنان نیز احادیثی در برتری دادن شام و دیگر شهرهایی که ساکنان آن طرفدار این حزب بودند، بر سایر شهرها و بر همه سرزمین‌ها، و نیز ده‌ها حدیث در مذمت علی علیه السلام و خاندان بنی‌هاشم به قصد فریب دادن مردم و بازداشتن آنان از آنچه که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره علی علیه السلام و فرزندانش شنیده و به یکدیگر منتقل نموده بودند، جعل کردند.» (هاشم معروف الحسنی، اخبار و آثار ساختگی، ص ۱۴۱)

فرهنگی و اجتماعی آنها امری اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. شاهد این موضوع گله‌مندی ائمه علیهم‌السلام از دوره امویان است که در فرمایش امام سجاد علیه‌السلام به درستی منعکس شده است: «ما در مکه و مدینه بیست نفر دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام نداریم.»^۱ همچنان که وقتی حمران بن اعین تعداد شیعیان را به امام باقر علیه‌السلام گزارش می‌دهد، می‌گوید: «اگر همه ما شیعه‌های کوفه را جمع کنند و سر سفره‌ای بنشانند که غذای آن سفره یک گوسفند باشد، تمام نمی‌شود.»^۲ ولی با تحول فرهنگی ای که امام صادق علیه‌السلام در همین شهر متشکل از طبقات فرهنگی و اجتماعی گوناگون ایجاد کردند، تاریخ کوفه شاهد حضور نهصد نفر راوی که همگی از امام صادق علیه‌السلام نقل روایت می‌کردند، می‌شود،^۳ که از این آمار می‌توان به میزان توسعه چشمگیر شیعیان پی برد. در مکتب امام صادق علیه‌السلام افراد ویژه‌ای با استعدادهای درخشان ظهور کردند که قدرت بیان و تبلیغ بالایی داشته و از موقعیت اجتماعی مناسبی برخوردار بودند که فعالیت آنها در دستگاه فرهنگی امام صادق علیه‌السلام توانست عده بسیاری را با جامعه شیعه همراه کند؛ حتی به تدریج خانواده‌هایی پیدا شدند که مهد تشیع قرار گرفتند؛ مثل «آل‌اعین» خاندان زراره معروف که نزدیک به ۶۰ فقیه از این خانواده به ثمر رسیدند.^۴

۲. حفظ جامعه شیعه از آسیب

در واقع مهم‌ترین عاملی که موجبات توسعه هرچه بیشتر جامعه رو به رشد شیعه را فراهم نمود و باعث شد جامعه شیعی هم به لحاظ جمعیت و هم از جهت مرزهای جغرافیایی روزبه‌روز پیشرفت نماید، مجموعه طرح‌ها و تدابیری بود که امام صادق علیه‌السلام به کار بست. این مسئله به‌خصوص در دوره منصور (خلافت ۱۵۸ - ۱۳۶ ق) که حکومت عباسی تثبیت شده است، اهمیت خود را بیشتر نشان می‌دهد. در این دوره که مسائل فکری و عقیدتی و همچنین مباحث فقهی در جامعه اسلامی اوج گرفته و شبهات گوناگون در زمینه‌های دینی و غیر دینی مطرح می‌شد، نیاز علمی و معرفتی شدیدی پدید آمده بود که در نتیجه آن توجه مردم به امام صادق علیه‌السلام بیشتر شده و جایگاه و موقعیت اجتماعی

۱. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۴.

۲. لو جلسنا علی شاة لما افینناه. (کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۶)

۳. نجاشی، الفهرست، ص ۴۰ - ۳۹.

۴. «آل‌اعین» از خاندان‌های روایی بنام شیعی از اواخر قرن اول تا قرن چهارم هجری که منسوب به «اعین بن سُنُّن» هستند. افراد این خاندان از روزگار امام سجاد علیه‌السلام به دوستی با خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شناخته شده‌اند. برخی از اینان که محضر آن امام را درک کرده‌اند، به تبحر در کلام، فقه، حدیث و دیگر شاخه‌های علمی آن روزگار نام‌آور گشته‌اند. پس از آن حضرت نیز نوادگان و اخلاف اعین مصاحبت دیگر امامان را برگزیده و گروهی از آنان به مقامات بلند علمی و دینی نائل آمده‌اند. ابوغالب زراری که خود از این خاندان است، آل‌اعین را حدود ۶۰ نفر دانسته است. (زراری، رساله ابی‌غالب الزراری، ص ۱۱۴)

ایشان در جامعه روزبه‌روز بهتر شناخته می‌شد؛ چنان‌که شخصی نقل می‌کند: «جهت دیدار امام صادق علیه السلام به حیره (۶ کیلومتری کوفه) رفتم، ولی به جهت ازدحام جمعیتی که دور امام علیه السلام را گرفته بودند، ملاقات را ناممکن یافتم. سه روز منتظر ماندم و در نهایت نتوانستم ایشان را ملاقات کنم. روز چهارم، امام علیه السلام مرا دید و بعد از خلوت شدن مراجعه‌کنندگان، مرا نزدیک قبر امیرمؤمنان علیه السلام برد و آنجا با هم صحبت کردیم.»^۲

از این نقل‌ها میزان توجه و تمرکز مردم به امام صادق علیه السلام فهمیده می‌شود. این مسئله امری نبود که حکومت نسبت به آن بی‌تفاوت باشد؛ در چنین فضایی شخص امام صادق علیه السلام برای حکومت دارای حساسیت بود و از میان برداشتن ایشان، از مهم‌ترین دغدغه‌های حکومت به‌شمار می‌رفت. همچنین جماعت شیعه نیز که نسبت به دوره‌های قبل با سرعت بیشتری در حال افزایش بود و با کناره‌گیری از اقدام نظامی، بهانه سرکوب را از حکومت گرفته بود، برای حکومت نگران‌کننده و حساسیت‌زا بود؛ چنان‌که طبق گزارش منابع اولیه، منصور جاسوسانی برای کشف ارتباط امام با شیعیان و افشا کردن فعالیت‌های آنها به‌کار گماشت.^۳

مؤید دیگر آن است که منصور عباسی، امام صادق علیه السلام را به اتهام حمایت از قیام «محمد بن عبدالله» (نفس زکیه) به عراق فراخواند و در ضمن، حضرت را متهم نمود که «معلی بن خنیس» را برای جمع‌آوری اموال به‌منظور کمک به قیام مذکور نزد شیعیان فرستاده است.^۴ دستگیری معلی بن خنیس و بازجویی شدید از وی برای فاش کردن اسامی یاران و شیعیان امام صادق علیه السلام و در نهایت شهادت او توسط داوود بن علی والی مدینه^۵ نیز می‌تواند، مؤید حساسیت حکومت نسبت به فعالیت‌های امام علیه السلام و شیعیانش باشد.

۱. درباره زمان و کیفیت کشف قبر حضرت علی علیه السلام اقوال متفاوتی نقل شده است. روایات متعددی که علامه مجلسی نقل کرده، ناظر به این است که امام صادق علیه السلام قبر حضرت علی علیه السلام را بارها به اصحاب و یاران خود نشان داده است. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۲۳۸ - ۲۳۵) همچنین طبق روایتی، منصور عباسی در زمان امام صادق علیه السلام و با دلالت آن حضرت به موضع قبر علی علیه السلام واقف شده است. (ابن طاووس، فرحة العری، ص ۱۱۹) در خرائج و جرائع نیز آمده است: «و لم یزل قبره مخفیا حتی دل علیه جعفر بن محمد فی ایام دولة العباسیه علیه السلام». (راوندی، الخرائج و الجرائع، ج ۱، ص ۲۳۸) در مقابل، شیخ مفید روایتی نقل می‌کند که مطابق آن، قبر امام علی علیه السلام در زمان هارون الرشید و در جریان شکار وی در حوالی محل دفن حضرت کشف شده است. آنچه مسلم است اینکه، قبر آن حضرت در هیچ زمانی برای امامان معصوم مخفی نبود، اگرچه در میان عموم مردم پنهان بوده باشد.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ص ۲۳۸.

۳. راوندی، الخرائج و الجرائع، ص ۷۲۱.

۴. ابن طاووس، مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۱۹۹.

۵. کشی، رجال، ص ۳۸۱.

مقابله با شرایط سیاسی - اجتماعی موجود، نیاز به مهندسی و طراحی در جامعه شیعه داشت؛ از این رو امام صادق علیه السلام برای حفظ جامعه تشیع و صیانت رهبری شیعه، راهبردهایی به اجرا گذاشت که عبارتند از:

۱. دور کردن شیعیان از گرداب‌های سیاسی

در دوره ظهور حکومت عباسی مشکل اصلی برای جامعه شیعه مجذوب شدن شیعیان در تحركات عباسیان بود؛ به خصوص اشخاص جوان و شخصیت‌های انقلابی و حساس و دلاور که زود جذب حرکات‌های مسلحانه می‌شوند، به‌ویژه در حرکات‌های مسلحانه‌ای که بوی قدرت نیز از آن استشمام شده و شعار پیروزی حق بر باطل و پیروزی عزاداران حسین علیه السلام بر قاتلان آن حضرت در رأس آن باشد. این خطری بود که حتی خود خاندان امام صادق علیه السلام نیز از آن ایمن نبودند. به‌عنوان مثال برخی از بنی‌الحسن علیهم السلام با عباسیان جلسات سرّی داشتند.^۱ در چنین شرایطی که دشمن از وضعیت جامعه شیعه خبر داشته و با عده‌ای از آنها رابطه دارد، ضرورت به‌کارگیری ترفندهای سیاسی جدیدی که متفاوت با روش‌های قبلی باشد، به‌خوبی احساس می‌شد. قطعاً امام علیه السلام مصلحت نمی‌دید که عباسیان را به‌صراحت رد نموده و از آنها اعلان برائت کند؛ چون اولاً شعار آنها (الرضا من آل محمد) برای مردم فریبنده بود و ثانیاً در آینده که عباسیان غالب می‌شدند، امام و شیعیانش در معرض خطرات و آسیب‌های جدی قرار می‌گرفتند. بنابراین امام علیه السلام برای مقابله با این تهدید از ایما و اشارات استفاده نمود. به‌عنوان نمونه، بنی‌الحسن علیهم السلام را به دامی که در آن گرفتار شده‌اند، توجه می‌دهد و در جلسه‌ای که میان بنی‌العباس و بنی‌الحسن علیهم السلام برای بیعت با نفس زکیه تشکیل یافته و از امام علیه السلام نیز برای بیعت با نفس زکیه دعوت شده بود، امام به عبدالله بن حسن پدر نفس زکیه می‌فرماید: «این (حکومت) نه به‌سوی تو خواهد آمد و نه برای دو فرزندت است. این (حکومت) مال بنی‌العباس است و دو فرزند تو نیز کشته خواهند شد. بعد امام علیه السلام از جا بلند شده و به اشاره گفتند: صاحب‌عبای زرد (منصور) تو را خواهد کشت. یکی از اصحاب بنی‌العباس به‌نام عبدالعزیز بن علی می‌گوید: من از دنیا نرفتم مگر اینکه دیدم منصور او را کشت.»^۲ یعنی امام علیه السلام با شیوه‌های مختلف صحنه واقعی و آنچه را که اتفاق خواهد افتاد، برای علویان تصویر می‌کنند تا متنبه شده و ابزار کار عباسیان قرار نگیرند.

از طرفی در این دوره قیام قائم آل محمد علیهم السلام زیاد مطرح می‌شد. از این رو برخی سعی داشتند

۱. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۳، ص ۷۸؛ مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۱۹۰.

۲. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبین*، ص ۱۸۴. برای تاریخ دقیق این جلسه گزارشی در منابع اولیه یافت نشد، لکن نظر به حضور ابراهیم امام در این جلسه و کشته شدن وی در سال ۱۳۲ ق، قطعاً این جلسه قبل از سال ۱۳۲ ق برگزار شده است.

قسمت جعلی روایت پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص مهدی آل محمد علیهم السلام که فرموده بود «اسمه اسمی و اسم ایبه اسم ابی»^۱ را علم نموده و آن را بر ادعای امامت و مهدویت خود منطبق سازند. به عنوان نمونه، بنی الحسن علیهم السلام تلاش کردند محمد بن عبدالله بن حسن (نفس زکیه) را به عنوان مهدی امت معرفی و با او بیعت نمایند.^۲ این مسئله مورد توجه منصور عباسی که نامش عبدالله بود نیز قرار گرفته و شاید برای ترغیب بیشتر مردم بر بیعت با فرزندش، لقب وی را مهدی گذاشت. امام صادق علیه السلام باطل بودن این ادعاها را با ذکر علائم قیام قائم آل محمد علیهم السلام به صورت غیر مستقیم اعلان می نماید تا شیعیان به سمت آنها گرایش پیدا نکنند.^۳

همچنین پوشیدن لباس سیاه توسط عباسیان به بهانه عزاداری که می توانست برخی از جماعت شیعه را دچار اشتباه کند، از چشمان تیز امام علیه السلام به دور نمانده و آن حضرت با تعبیرات متعدد کنایه‌ای، شیعیان را به این مهم توجه داده است. مثلاً می فرماید: «لباس سیاه لباس اهل دوزخ است»،^۴ یا «لباس سیاه لباس فرعون است»، یا «لباس دشمنان مرا نپوشید.»^۵ مفهوم و دلالت التزامی این روایات می تواند این باشد که به بنی عباس ملحق نشوید.

در موارد بسیاری نیز امام علیه السلام به شیعیان دستور مستقیم می دهد: «زبان‌های خود را کنترل نموده و در خانه‌های خود بنشینید؛ زیرا آنچه به شما اختصاص دارد (حکومت اسلامی حقیقی) به این زودی به شما نمی رسد و زیدیه همیشه حافظ و نگهبان برای شماست.»^۶

این تأکیدات سیاسی از ناحیه امام صادق علیه السلام محوری را برای شیعیان ترسیم و مشخص می کرد تا از محدوده آن خارج نشده و در دام جریان‌های دیگر گرفتار نشوند. امام صادق علیه السلام همه این تهدیدات موجود را به فرصت تبدیل کرده و با جلوگیری از هدر رفتن نیروها، جماعت شیعه را به سمت مهندسی فرهنگی جامعه اسلامی و ایجاد تحول و انقلاب فکری در آن هدایت نمودند.

۲. طراحی اختلاف ظاهری میان جماعت شیعه

راهبرد دیگر امام صادق علیه السلام طراحی نمایش اختلاف میان شیعیان به ویژه خواص شیعه است.

روشن است که حکومت‌ها به طور طبیعی اتحاد گروه‌های مخالف دولت را خطر آفرین دانسته و در

۱. در صحیح ترمذی و سنن ابن ماجه و نیز در روایات اهل بیت علیهم السلام چنین تعبیری وجود ندارد.

۲. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۹۰.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۴.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸۱.

۵. همان، ج ۴، ص ۳۸۵؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ص ۹۹.

۶. کفوا السننکم و الزموا بیوتکم فانه لا یصیبکم امر تخصون به ابد و لا تزال الزیدیه لکم و قاء ابد. (کلینی، اصول

کافی، ج ۲، ص ۲۵۴؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۷)

صورت مشاهده اختلاف میان آنها، احساس امنیت کرده و از شدت پیگردشان کاسته می‌شود. امام صادق علیه السلام به این مهم توجه داشته و در راستای جلوگیری از فشارهای دولت عباسی، طرحی را اجرا می‌کند که در نتیجه آن تصویری از تفرقه و اختلاف ظاهری در میان صفوف شیعه شکل می‌گیرد که شیعیان در ظاهر انسجام اجتماعی ندارند. امام علیه السلام به عنوان راهبر این طرح، صحنه را آن قدر به هم می‌ریزد که در نگاه ساده‌بازور درست شدن آن سخت به نظر می‌آید؛ درحالی‌که هر آن و لحظه‌ای که بخواهد، می‌تواند اختلاف را از میان بردارد؛ چون همه اصحاب تحت امر ایشان هستند و به یک اشاره امام علیه السلام در ریسمان اتحاد ایشان صف می‌کشند. طرح نمایش اختلاف در واقع یکی از مصادیق و ابعاد پیچیده سیاست مهم تقیه است که در حرکت ائمه معصومین علیهم السلام جزو اصول واجب به‌شمار می‌آید.

امام صادق علیه السلام این راهبرد مهم را با چند روش در میان شیعیان اجرا می‌کند:

۱. از طریق برائت از اصحاب: امام صادق علیه السلام در مواردی زحمات زراره را ارج نهاده و می‌فرماید: اگر زراره نبود، احادیث پدرم منتفی می‌شد.^۱ اما در مواردی دیگر از زراره برائت می‌جوید و راز این عمل را به پسرش عبدالله بن زراره چنین بیان می‌دارد: «سلام ما را به پدرت برسان و به او بگو که من برای دفاع از تو چنین می‌کنم؛ چراکه دشمن هرآنچه را که ما ستایشش می‌کنیم، دنبال کرده و اذیت می‌کند ... بدین‌وسیله تو پیش مردم مذموم بوده و جلب توجه نمی‌کنی و در نتیجه از شر آنان در امان می‌مانی ...»^۲

همچنین امام علیه السلام به حسین بن زراره می‌فرماید: «سلام مرا به پدرت برسان و بگو به خدا سوگند من خواهان خیر دنیا و آخرت تو هستم. به خدا سوگند من از تو راضی هستم.»^۳

امام علیه السلام این طرح را به‌گونه‌ای اجرا می‌کند که حتی خود زراره هم متوجه نمی‌شود و فکر می‌کند که امام واقعاً از او بیزار است؛ از این‌رو اعتراض خود را از طریق پسرش به امام علیه السلام اعلام می‌کند.^۴ در *رجال* کشی از حدود صد روایت موجود درباره زراره، چندین مورد علیه وی و حتی در لعن ایشان است؛^۵ درحالی‌که بیشتر فقها منکر فضل و مکانت علمی زراره نیستند. پس این روایات از ناحیه امام صادق علیه السلام چه توجیهی غیر از حفظ جان اصحاب و شیعیان آن حضرت می‌تواند داشته باشد؟

۱. مفید، اختصاص، ص ۶۶؛ کشی، *رجال*، ص ۱۳۶.

۲. همان، ص ۱۳۸.

۳. همان، ص ۱۴۱.

۴. همان.

۵. در صفحه ۱۶۱ - ۱۳۳ *رجال* کشی روایات مربوط به زراره نقل شده که از صفحه ۱۴۸ - ۱۳۳ روایاتی در مدح وی و از صفحه ۱۵۰ - ۱۴۸ روایاتی درباره لعن بر او و در بقیه صفحات، روایاتی در ذم ایشان نقل شده است.

۲. از طریق القای احکام متفاوت: امام صادق علیه السلام برای نشان دادن اختلاف میان شیعیان، درخصوص یک موضوع احکام متفاوتی صادر می نمودند؛ چنان که سالم بن حذیفه می گوید: من نزد امام صادق علیه السلام بودم که شخصی آمد و پرسید: بسا داخل مسجد می شوم، درحالی که بعض اصحاب ما نماز ظهر و بعض دیگر نماز عصر می خوانند. امام فرمود: «من به آنها دستور داده ام که عده ای نماز ظهر بخوانند و در همان زمان، عده دیگر نماز عصر بخوانند؛ زیرا اگر یکسان عمل کنند، شناخته شده و دستگیر خواهند شد.»^۱

از دیگر نمونه های این اختلاف می توان به اختلاف در رکعات نماز مستحبی (اعداد النوافل) اشاره کرد که زراره آن را ۲۷^۲ و ابوبصیر ۳۴ رکعت می داند.^۳ خود امام فلسفه این اختلاف را چنین بیان می دارد:

کسی که میان شما تفرقه افکند، رهبر شماست که خداوند او را پیشوای خلق قرار داده است و او به مصلحت مردم آگاه تر است و اگر بخواهد، می تواند میان شما تفرقه اندازد تا سالم بمانید و سپس میانتان وحدت برقرار نماید تا از فساد و ترس دشمن ایمن باشید.^۴

همچنین زراره می گوید: از امام باقر علیه السلام سؤالی پرسیدم و آن حضرت جواب دادند. مرد دیگری آمد و همان سؤال را از امام پرسید، ولی ایشان پاسخی متفاوت به او فرمود و مرد سومی با همان سؤال خدمت امام علیه السلام رسید و جواب سومی دریافت کرد. زراره می گوید: از امام علیه السلام سؤال کردم که علت این کار چیست؟ حضرت جواب می دهند: «ای زراره! این عمل برای ما خیر و موجب بقای شما می باشد. اگر شما بر یک امر متفق باشید، دشمنانتان قصد شما را نموده و بقای شما و ما را مختل می کنند.»^۵ زراره می گوید: «من علت اختلاف را از امام صادق علیه السلام پرسیدم و عرض کردم: شما اگر شیعیان را به رفتن روی آتش امر کنید، می روند، درحالی که اینها با اختلاف از نزد شما خارج می شوند؟

۱. ربما ادخل المسجد و بعض اصحابنا یصلی الظهر و بعضهم یصلی العصر. قال الامام علیه السلام: انا امرتهم بهذا لو صلوا علی وقت واحد لعرفوا و اخذوا برقابهم. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۳۷)

۲. همان، ص ۵۹.

۳. همان ص ۵۷.

۴. الذي فرق بینکم فهو راعیکم الذي استرعاه الله خلقه، و هو أعرف بمصلحة غنمه في فساد أمرها، فإن شاء فرق بینها لتسلم، ثم یجمع بینها لیأمن من فسادها و خوف عدوها في آثار ما يأذن الله و یأتیها بالامن من مأمنه و الفرج من عنده. (کشی، رجال، ص ۱۳۸) قابل ذکر است که امام در این روایت از تشبیه و کنایه استفاده کرده است، ولی ما به جهاتی آن را نقل به معنا (ترجمه آزاد) کردیم.

۵. یا زراره هذا خیر لنا و ابقی لکم و لو اجتمعتم علی امر واحد لقصدم الناس علینا و کان اقل لبائنا و بقائکم. (صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۹۵)

امام صادق علیه السلام همان جوابی را داد که امام باقر علیه السلام فرموده بود.^۱

طبیعتاً این اختلاف اقوال و روایات فقها در رفتار شرعی عموم جماعت شیعه اثرگذار بوده و تصویری متشتت از جماعت شیعه به نمایش می‌گذاشت. از این رو حساسیت حکومت نسبت به پیروان امام علیه السلام کمتر شده و در نتیجه جان‌های شیعیان از گزند حکومت عباسی که دنبال کوچک‌ترین بهانه برای کشتن شیعیان بودند، در امان و محفوظ می‌ماند.

ممکن است این سؤال در ذهن خطور کند که به چه دلیل این اختلافات را ظاهری و به اصطلاح نمایش اختلاف می‌دانید؟ در پاسخ باید گفت بهترین دلیل، سخن خود امام علیه السلام است که در تعبیرات گوناگون، ضمن معرفی خود به‌عنوان عامل این اختلاف، فلسفه آن را حفظ اصحاب خود از آسیب عنوان نموده است. اگر این اختلاف، واقعی و حقیقی بود، امام خودش را عامل آن معرفی نمی‌کرد. به لحاظ عقلی نیز هر رهبر و امامی در جهت وحدت میان پیروانش عمل می‌کند و جریان اختلاف حقیقی در میان پیروانش را قبیح می‌داند، به‌ویژه اگر معصوم باشد. بنابراین طرح این اختلاف به‌ناچار باید ظاهری و در جهت حفظ جامعه شیعه از آسیب‌های پیش رو بوده باشد.

۳. مهندسی رفتار اجتماعی شیعیان

راهبرد دیگر امام صادق علیه السلام برای دفع آسیب‌های اجتماعی از شیعیان خود، هدایت رفتار آنها در جامعه است.

امام صادق علیه السلام نوعی از معاشرت را میان شیعیان ترویج نمودند تا حساسیت‌های عمومی جامعه نسبت به آنها کمتر شود. امام علیه السلام راجع به معاشرت با عامه در موارد بسیاری توصیه به برخورد گرم و صمیمی با جامعه اهل سنت نموده و بر «قولوا للناس حسناً» تأکید می‌ورزند.^۲ در سایه این تأکیدات بود که عموم شیعیان به صورت کنترل‌شده و با تحمل بسیار بالا پرورش یافته و بدون کمترین چالشی در میان عامه زندگی می‌کردند. این عمل از حساسیت جو عمومی جامعه می‌کاست و در حفظ جامعه شیعه بسیار تأثیرگذار بود.

امام علیه السلام به این نتیجه رسیده بود که آنچه بهانه‌جویی و حساسیت بنی‌العباس را دفع می‌کند این است که علویان طبق فرمایش امام صادق علیه السلام مسیر خود را ولو در ظاهر از آنها جدا ننموده و مثل یک خانواده مانند گذشته (قبل از سلطه و حکومت عباسیان) ارتباطات و رفت و آمدها و احترامات سابق را حفظ کنند. از این رو به پیروانش می‌فرمود: «از خدا بترسید. اطاعت از امامانتان بر شما واجب است؛ آنچه را که آنها می‌گویند، بگویید و از آنچه که آنها سکوت می‌کنند، سکوت کنید. شما در

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۸۷.

۲. طبری، بشارة المصطفی، ص ۱۶۹؛ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۱۴.

سلطه کسانی هستند که خداوند درباره آنها فرموده است: مکرشان کوهها را از جا برمی‌کند (منظور بنی‌عباس است). پس تقوا پیشه کنید که شما در آتش بس هستید. در نماز جماعت‌های آنان شرکت کنید و در تشییع جنازه‌شان حاضر شوید و امانتشان را ادا کنید.^۱ همچنان که روایت بر آن صراحت دارد، امام بر آتش بس تأکید زیادی دارد و به پیروانش دستور می‌دهد سلوک اجتماعی خود را بر مبنای این آتش بس تنظیم کنند. این شیوه باعث می‌شد بین عباسیان و علویان خط‌کشی نشود و در نتیجه، فضای تنش و درگیری کاهش پیدا کند. اما به‌عکس، اگر علویان راه جدا و مستقل در پیش گیرند، حتی شاید بدون دخالت دولت مردم به جان هم می‌افتادند که در این صورت جامعه در اقلیت شیعه قطعاً آسیب می‌دید؛ چون آنها در موضع قدرت بودند.

به نظر می‌رسد سیاست نظام جمهوری اسلامی به‌ویژه مقام معظم رهبری در تعامل با اهل سنت معاصر، الهام‌گرفته از روش و منش امام صادق علیه السلام باشد. مطالعه و تحقیق در سیره امام صادق علیه السلام در تغییر طرز فکر کسانی که نگاه افراطی در مواجهه با اهل سنت دارند، بی‌تأثیر نخواهد بود.

۴. اتخاذ مواضع هوشمندانه در برابر خلفا

راهبرد دیگر امام صادق علیه السلام به‌کار بستن مواضع هوشمندانه در فراز و فرود عملکرد خلیفه عباسی است. امام صادق علیه السلام در موقعیت‌های خاص، رفتارهای متفاوتی با حاکم وقت داشتند و از این طریق جامعه و رهبر شیعه از گزندهای احتمالی مصون نگه داشته می‌شد.

امامت امام صادق علیه السلام با توجه به اوضاع و شرایط دولت حاکم، به چند دوره تقسیم می‌شود. دوره اول امامت آن حضرت (۱۳۲ - ۱۱۴ ق) که دوره ضعف دولت اموی بود، خطر چندانی جان امام را تهدید نمی‌کرد؛ چون خود خاندان اموی به اندازه کافی گرفتاری و درگیری داشتند. همچنین در اوایل دوره عباسی و خلافت سفاح (۱۳۶ - ۱۳۲ ق) نیز که عباسیان مشغول تثبیت موقعیت خویش بودند، اوضاع سیاسی اجازه تعرض به امام علیه السلام را به آنها نمی‌داد. ولی در دوره آخر زندگی آن حضرت (۱۴۸ - ۱۳۶ ق) بهانه‌جویی برای کشتن ایشان شروع شده و حفظ جان رهبر جماعت شیعه در این مرحله نیاز به طرح و برنامه‌ریزی اساسی داشت. منصور رفتارهای بسیار متفاوتی با امام در پیش گرفته و به دو حربه سیاسی نرمش‌های ظاهری و فشارهای سخت‌گیرانه در قبال امام متوسل می‌شد. او از طرفی تلاش می‌کرد امام را به خود متمایل سازد تا مردم گمان کنند حکومت او برحق است؛ چنان که وی در نامه‌ای به امام صادق علیه السلام نوشت: چرا همان‌گونه که دیگر مردم به ما سر می‌زنند، به دیدار ما نمی‌آیی؟

۱. اتقوا الله و علیکم بالطاعة لائمتکم، قولوا ما یقولون و اصمتوا عما صمتوا، فانکم فی سلطان من قال الله تعالی «و ان مکرم لتزول منه الجبال» (ابراهیم (۱۴): ۴۷) (یعنی بذالک ولد العباس) فاتقوا الله فانکم فی هدنة صلوا فی عشائرهم و اشهدوا جنازتهم و ادوا الامانة الیهم. (حرانی، تحف العقول، ص ۴۸۷؛ طوسی، امالی، ص ۶۶۷)

منصور با تصور باطل خود گمان می‌کرد امام علیه السلام با تأثیرپذیری از هیبت خلافت، به خواسته‌اش تن می‌دهد؛ ولی امام پاسخ دادند: «از مال دنیا چیزی نزد ما نیست که به سبب آن از تو بترسیم و چیزی از آخرت نزد تو نیست که آن را از تو بخواهیم ... برای چه به تو سر بزنی؟»^۱ منصور حتی از امام درخواست نصیحت کرده و پیغام فرستاد: با ما هم صحبت شوید تا ما را نصیحت کنید؛ ولی امام جواب دادند: «کسی که دنیا را بخواهد، نسبت به تو خیرخواهی نمی‌کند و کسی که آخرت را بخواهد، با تو هم صحبت نمی‌شود.»^۲

امام علیه السلام در عین حال که با این تعبیرات زندگی منصور را دنیوی و در برابر آخرت قرار می‌دهد، از به کار بردن تعبیرات تحریک‌آمیزی که منصور بتواند از آن برای منکوب کردن شیعه استفاده کند، خودداری می‌کند.

از طرف دیگر گزارش‌های بسیاری مبنی بر رفتار خشونت‌آمیز منصور با امام علیه السلام وارد شده است؛ تا آنجا که منصور تصمیم به قتل امام گرفت. بنابه نقل کلینی، منصور به حسن بن زید بن حسن علیه السلام (م ۱۶۸ ق) والی خود در مدینه دستور داد تا خانه امام صادق علیه السلام را آتش بزند.^۳

مفضل بن عمر می‌گوید: «منصور چند بار سعی کرد امام صادق علیه السلام را بکشد و افرادی را می‌فرستاد تا امام علیه السلام را پیش او ببرند و وقتی امام علیه السلام پیش او می‌رفت، هیبت نگاه امام علیه السلام منصور را می‌گرفت و از قتل امام علیه السلام منصرف می‌شد. ولی منصور نمی‌گذاشت تا مردم با ایشان ملاقات کنند و ارتباط نزدیک داشته، مسائل دین و دنیای خویش را با ایشان در میان بگذارند.»^۴ وی می‌گوید: «مردم آن قدر دعا کردند تا اینکه خداوند در دل منصور انداخت که از امام صادق علیه السلام چیزی را به عنوان تحفه بخواهد؛ تحفه‌ای که هیچ‌کس مثل آن را نداشته باشد. امام صادق علیه السلام عصایی را برای منصور فرستاد که حدود یک زراع (حدود نیم متر) بود. منصور بسیار خوشحال شده و دستور داد این عصا را چهار قسمت کرده و در چهار محل نصب کنند. (این عصا یادگار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود).

منصور گفت: پاداش این هدیه‌ای که به من دادی این است که راه را برایت باز کنم تا علم خود را بر شیعیان عرضه کنی و من دیگر مانع تو نخواهم شد. برای مردم فتوا بده، ولی در شهری نباش

۱. اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۰۹.

۲. من اراد الدنيا فلا ينضحك و من اراد الاخره فلا يصحك. (همان، ص ۲۰۸؛ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۲۸)

۳. عن مفضل بن عمر قال وجه ابو جعفر المنصور الى حسن بن زید و هو واليه على الحرمين ان احرق على جعفر بن محمد داره فالتى النار في دار ابي عبدالله فاخذت النار في الباب و الدهليز فخرج ابو عبدالله يتخطى النار و يمشی فيها و يقول انا ابن اعراق الثرى، انا بن ابراهيم خليل الله. (کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۳۷)

۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۳۸.

که من آنجا ساکن هستم»^۱ اولین نکته‌ای که از این نقل استفاده می‌شود آن است که امام صادق علیه السلام در بخشی از دوره امامتش به شدت تحت کنترل بوده و این تصور که عصر امام صادق علیه السلام به طور مطلق عصر آرامش بوده است، تصور غلطی است. لذا در این دوره خاص، بیشتر فعالیت‌های فرهنگی توسط اصحاب و شاگردان ایشان مثل زراره، محمد بن مسلم و دیگران که حلقات آموزشی داشتند، انجام می‌گرفت.

نکته دوم اینکه، امام علیه السلام گاهی با یک هدیه‌ای که مناسب روحیه شهرت‌طلبی منصور بود، او را تحت تأثیر قرار می‌داد و از این طریق از شدت عمل منصور کاسته می‌شد.

طبق نقلی دیگر، امام با قرائت چند حدیث درباره فضیلت و آثار دنیوی و اخروی صلح‌رحم توانست منصور را تحت تأثیر قرار داده، او را از انجام تهدیدات خطرناک باز دارد.^۲ اینها مواردی از رفتار نرم امام با منصور است که شرایط روحی منصور آن را می‌طلبید. نقل‌های دیگری نیز وجود دارد که حکایت از برخورد تند امام علیه السلام با توطئه‌های منصور دارد که راهبردی کاملاً متفاوت با مواضع قبلی است.

یکی از این موارد، برخورد تند امام علیه السلام با والی مدینه و سرزنش شدید منصور به خاطر اهانت به حضرت علی علیه السلام است.^۳ از آنجا که حکومت عباسی با روشی که در پیش گرفته بود، می‌خواست روش بنی‌امیه را در لعن‌علنی حضرت علی علیه السلام زنده کند و در واقع به دنبال نوعی تهاجم فرهنگی علیه شیعه بود، امام صادق علیه السلام آنها را وادار به عقب‌نشینی کرده و طرح‌شان را ناکام می‌گذارد.

نمونه‌ای دیگر از عکس‌العمل کوبنده امام علیه السلام در مقابل منصور، واقعه‌ای است که از ربیع (حاجب منصور) نقل شده است. وی می‌گوید: «منصور از دست مگسی به ستوه آمده بود که به کرات روی وی می‌نشست. در یکی از روزها منصور از امام صادق علیه السلام پرسید: خداوند چرا مگس را خلق کرده است؟ امام علیه السلام جواب دادند: برای اینکه افراد مغرور و متکبر را ذلیل کند.»^۴

در این روایت چند نکته قابل توجه است: اولاً اینکه، آلودگی درونی انسان‌ها در برخوردهای کوچکی مثل مزاحمت یک مگس خود را نشان می‌دهد. به همین دلیل روحیه خاص منصور که بسیار متکبرانه نسبت به ساحت اقدس خداوند زبان‌درازی کرد، ظاهر می‌شود. ثانیاً این بی‌ادبی منصور به ساحت ربوبی، برخورد تندی می‌طلبید که از طرف امام علیه السلام انجام شد و منصور هم چون خطاکار بود، نمی‌توانست عکس‌العملی نشان دهد.

از این نقل‌ها می‌توان دریافت که امام صادق علیه السلام چگونه فراز و فرود رفتارهای منصور را به

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۱۸۰.

۲. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۴۱؛ طوسی، امالی، ص ۴۸۰.

۳. همان، ص ۳۲.

۴. صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۹۶.

بهترین نحو کنترل کردند. آن حضرت با مهار منصور، جان خویش را به عنوان رهبر جامعه شیعه از گزند حکومت حفظ نموده، حدود شانزده سال در دوره عباسی امامت کرد و در این بستر به مهندسی فرهنگی جامعه اسلامی همت گماشت تا جامعه شیعه را به رشد و بالنگی برساند.

۵. مواضع دقیق امام صادق علیه السلام در قیام‌های علویان

از دیگر راهبردهای مهم امام صادق علیه السلام که در انسجام جامعه شیعه بسیار تأثیرگذار بوده، مواضع ایشان در قیام‌های علویان است. امام در مواجهه با تحولات نظامی علویان مثل قیام زید (م ۱۲۲ ق) و قیام محمد نفس زکیه (م ۱۴۵ ق) به گونه‌ای عمل می‌کند که عباسیان هیچ بهانه‌ای برای حذف رهبری معصوم از جامعه شیعه نداشته باشند. موضوع شخصیت زید و موافقت یا مخالفت امام صادق علیه السلام با قیام وی، معرکه آرا محققین بوده و هر کدام دسته‌ای از روایات را سند مدعی خویش قرار داده‌اند که بررسی^۱ تفصیلات آن در این مقاله نمی‌گنجد. لکن آنچه به بحث ما مربوط می‌شود این است که موضع امام علیه السلام به گونه‌ای بود که حکومت عباسی نتواند مدرکی علیه آن حضرت پیدا کند تا علیه ایشان استفاده نماید. راز آن اتخاذ موضع نیز راهبرد هوشمندانه امام صادق علیه السلام است؛ چون قبل از شهادت زید هیچ‌گونه تأیید رسمی از طرف ایشان نسبت به قیام زید وجود ندارد که آلت دست دولت عباسی قرار گیرد و همه تمجیدات امام علیه السلام از زید، به بعد از شهادت وی مربوط می‌شود. همچنین به نظر می‌رسد یکی از دلایل نکوهش زید و قیام او از سوی امام صادق علیه السلام، حفظ جان آن حضرت با گرفتن ابزار بهانه‌جویی از دست عباسیان است. از طرفی موضع امام صادق علیه السلام در برابر قیام نفس زکیه از همان روز اول مخالفت بود و در زمان وقوع قیام نیز امام علیه السلام مخالفت خود را ابراز داشته‌اند. به هر حال موضع سیاسی امام علیه السلام در جریان چنین قیام‌هایی منفی است و آنچه از تأسف و تأثر حضرت در شهادت آنان نقل شده، یک موضع عاطفی و اخلاقی است که عباسیان نمی‌توانستند از آن به عنوان مدرکی علیه امام علیه السلام بهره‌جویی کنند.

۱. بیشتر دانشمندان و محققان ما در علم رجال و حدیث، روایات حاکی از نکوهش زید را از نظر سند مردود دانسته و به آنها اعتماد نکرده‌اند. به عنوان نمونه مرحوم آیت‌الله خویی پس از نقد و بررسی روایاتی که در نکوهش زید نقل شده، آنها را از نظر سند ضعیف و غیر قابل اعتماد معرفی نموده و می‌نویسد: «حاصل آنچه گفتیم این است که زید فردی بزرگوار و مورد ستایش بوده است و هیچ مدرکی که بر انحراف عقیدتی یا نکوهش او دلالت کند، وجود ندارد.» (خویی، معجم رجال حدیث، ج ۷، ص ۳۵۶ - ۳۴۵) مرحوم مجلسی نیز پس از نقل روایات مربوط به زید می‌نویسد: «بدان که اخبار در حالات زید مختلف و متعارض است؛ لکن اخبار حاکی از مدح وی و اینکه او ادعای نادرستی نداشت، بیشتر است و بیشتر علمای شیعه به علو شأن زید نظر داده‌اند. بنابراین مناسب است که نسبت به او حسن ظن داشته و از نکوهش او خودداری کنیم.» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۰۵) به نظر می‌رسد حکمت روایات صادر شده از سوی امام علیه السلام در مقام نکوهش زید و قیامش، به جهت گرفتن بهانه از حکومت عباسی علیه امام علیه السلام می‌باشد؛ چنان که در متن نیز بیان شد.

بنابراین در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت زمانی که امام علیه السلام این قیام‌ها را سپر بالای شیعه معرفی می‌کند و بعد از شهادت رهبران قیام‌ها تلاش آنها را ارج می‌نهد، می‌توان دریافت مهم‌ترین حکمت مخالفت امام در زمان وقوع قیام‌ها، حفظ جان امام معصوم و شیعیان بوده است.

ب) نظام‌مند شدن عقاید، باورها و مفاهیم شیعی

از جمله آثار مهندسی فرهنگی امام صادق علیه السلام شکل‌گیری و تداوم عقاید و باورهای شیعی است. دوران امام صادق علیه السلام به دلیل وجود عوامل و زمینه‌های مختلف، عصر شکوفایی بحث‌های کلامی و عقیدتی بود و جریان‌های مختلف فکری با رویکردهای متفاوت و در مواردی با عقاید انحرافی، در جامعه اسلامی حضوری فعال داشتند. امام صادق علیه السلام با تبیین ابعاد مختلف عقاید شیعی، مبانی فکری و عقیدتی شیعه را ترسیم نموده و جامعه شیعی را در باورها و عقاید به کمال رسانید.

آن حضرت در مسائل متداول کلامی در عصر خود چون صفات باری، قضا و قدر و جایگاه فاسق سخن گفته و عموماً به موضوعات مطرح‌شده در حوزه‌های کلامی، با نگرشی اعتدال‌گرا نگریده است. از جمله در مبحث صفات، در مقابله با دو جریان افراطی تعطیل و تشبیه، با تأکید بر تنزیه ذات متعال از هرگونه کیفیت و ویژگی‌های جسمانی، بر ازلی بودن صفات ذات چون علم تأکید داشته است.^۱ در موضوع خلق قرآن که معرکه آرا بود، آن حضرت با این تعبیر که قرآن کلام خداوند، محدث و نامخلوق است،^۲ موضعی بینابین در تقابل میان معتزله و اشاعره اتخاذ کرده است. در بحث پردامنه قدر، نظریه مشهور امام صادق علیه السلام نفی جبر و تفویض و گرایش به امر بین الامرین بوده است.^۳ آن حضرت با شرح تفاوت میان مفاهیم مشیت و اراده، و مطرح کردن دو گونه اراده الهی - اراده حتم و اراده عزم - به بیان این امر پرداختند که چگونه ممکن است خداوند به کرداری امر کند و در عین حال مشیت او بر آن قرار نگرفته باشد.^۴

از دیگر مباحث مهم عصر امام صادق علیه السلام می‌توان به مسئله تعریف ایمان اشاره کرد که از سوی جریان‌های فکری مورد اختلاف قرار گرفته بود. امام علیه السلام ضمن تصریح به دخیل بودن عمل در تحقق ایمان و سلب صفت ایمان از مرتکب کبیره، اسلام را مفهومی اعم از ایمان شمرده، منزلت مرتکب کبیره را «اسلام» دانسته است.^۵

۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ص ۱۲۰.

۲. همو، التوحید، ص ۲۲۶.

۳. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۵۱؛ احسنی، عوالی النالی، ج ۴، ص ۱۰۹؛ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۹.

۴. همان، ص ۱۳۱.

۵. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۷ و ج ۲۸، ص ۳۵۴.

در میان مباحث کلامی، مسئله امامت شیعی از اهمیت مضاعفی برخوردار است. با توجه به حضور و فعالیت جریات فکری مختلف در عصر امامین صادقین علیهما السلام یکی از عقاید مهم جامعه شیعه که در معرض آسیب قرار داشت، اندیشه امامت و رهبری بود.

امامین صادقین علیهما السلام با درک این واقعیت به معرفی و تبلیغ امامت شیعی پرداخته، منزلت امام معصوم را با تفصیلی تمام روشن ساختند و در نتیجه تلاش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی ایشان، جایگاه امامت در اندیشه شیعه نهادینه شد. امام باقر علیه السلام معتقد است اندیشه امامت شیعی ریشه در قرآن و احادیث نبوی دارد؛ از این رو به تفسیر^۱ و توضیح آیات و روایات مربوط به امامت می‌پردازد. ایشان با استناد به احادیث نبوی، نص، علم، نور و عصمت را در امام شرط می‌داند و از این جهت امامت خود را با تصریح پیامبر صلی الله علیه و آله اثبات می‌کند.^۲

اهمیت دفاع از اندیشه امامت شیعی در عصر امام صادق علیه السلام دوچندان می‌شود؛ چون علاوه بر مقتضیات عصر امام باقر علیه السلام، ضرورت‌های دیگری نیز شکل می‌گیرد که ادعای امامت از طرف نزدیکان امام صادق علیه السلام در اواخر عصر اموی، از آن قبیل است.

به‌عنوان نمونه، بنی‌الحسن تلاش دارند از میان خود با کسی بیعت کرده و او را به‌عنوان مهدی و امام امت معرفی نمایند.^۳ از طرف دیگر بنی‌عباس در پشت پرده برای قبضه کردن امامت و رهبری جامعه اسلامی تلاش می‌کنند. از این رو به ابراهیم^۴ بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس لقب امام داده و او را به ابراهیم امام معروف نمودند.^۵ در چنین شرایطی امام صادق علیه السلام به بررسی تمام ابعاد و زوایای مسئله رهبری در اندیشه شیعی پرداخته^۶ و از هر فرصتی جهت پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات با محوریت امامت و ولایت انسان‌های معصوم بهره جسته است؛ به‌گونه‌ای که مردم محور سخن و پاسخ‌گویی در بحث اعتقادات و احکام را جعفر بن محمد علیهما السلام می‌دانستند، تا آنجا که اندیشه‌های سایر فرق را به‌لحاظ صحت و سقم به آن حضرت ارائه می‌کردند و در تنقیح و تصفیه

۱. برای مطالعه تفاسیر امام باقر علیه السلام در خصوص آیات مربوط به امامت ر.ک به: قمی، *تفسیر القمی*، ج ۱ ص ۱۶۲ و ۱۷۱ - ۱۷۰؛ ج ۲ ص ۱۰۲، ۱۹۳ و ۲۷۴ و برای مطالعه روایات امام باقر علیه السلام درباره امامت ر.ک به: کلینی، *اصول کافی*، ج ۱، ص ۴۶۶ - ۴۱۸.

۲. ارزینه لالانی، *الفکر الشیعی المبکر تعالیم الامام محمد الباقر*، ص ۸۹.

۳. مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۱۹۰.

۴. طوسی، *رجال*، ص ۱۵۶.

۵. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۴، ص ۱۱۸.

۶. برای مطالعه تفصیل روایات و احادیث امام صادق علیه السلام در این خصوص ر.ک به: کلینی، *اصول کافی*، ج ۱، ص ۴۶۶ - ۴۱۸.

نظرات سایر فرق، از ایشان استمداد می‌جستند. نیز صاحب‌نظرانی چون ابوحنیفه^۱ یا سفیان^۲ ثوری با امام صادق علیه السلام به‌عنوان بلندترین مرجع علمی و صادق‌ترین شخصیت دینی به‌محاوره و مکاتبه می‌پرداختند.

مقام معظم رهبری در جامعیت اندیشه و تلاش امام صادق علیه السلام در تبیین امامت شیعی می‌فرماید:

امام صادق علیه السلام نیز مانند دیگر امامان شیعه بخش برجسته دعوتش را موضوع «امامت» تشکیل داده است. برای اثبات این واقعیت تاریخی، قاطع‌ترین مدرک روایات فراوانی است که ادعای امامت را از زبان امام صادق علیه السلام به‌روشنی و با صراحت تمام نقل می‌کند ... امام علیه السلام در هنگام اشاعه و تبلیغ این مطلب خود را در مرحله‌ای از مبارزه می‌دیده است که می‌بایست به‌طور مستقیم و صریح حکام زمان را نفی کند و خویشتن را به‌عنوان صاحب حق واقعی ولایت و امامت به مردم معرفی نماید. امام علیه السلام در مواردی به این بسنده نمی‌کند که امامت را برای خویشتن اثبات کند، بلکه همراه نام خود، نام امامان به حق و اسلاف پیشین خود را نیز یاد می‌کند و در حقیقت سلسله امامت اهل‌بیت علیهم السلام را متصل و جدایی‌ناپذیر مطرح می‌سازد. اینها می‌تواند اشاره به پیوستگی جهاد شیعیان این زمان به زمان‌های گذشته نیز باشد. در واقع امام صادق علیه السلام با این بیان، امامت خود را یک نتیجه قهری که بر امامت گذشتگان مترتب است، می‌شمارد و سلسله خود را از کانالی مطمئن و تردیدناپذیر به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم متصل می‌کند.^۳

مواضع کلامی امامین صادقین علیهم السلام در مقابل شبهات جریان‌ات الحادی، مبانی عقیدتی جامعه اسلامی در برابر شبهات را بیمه کرده و احاطه علمی ایشان در موضوعات مختلف کلامی، به عقاید شیعیان جهت داد و موجبات مهندسی فرهنگی جامعه اسلامی را فراهم آورد.

ج) شکل‌گیری تشکیلات سیاسی - عقیدتی و تدوام آن

ازجمله دستاوردها و نتایج مهم مهندسی فرهنگی امام صادق علیه السلام که در دوره‌های بعدی نیز آثار آن به‌خوبی برجاست و به‌صورت سازمانی کارآمد، تحرک فرهنگی داشت، تشکیلات سیاسی موسوم به سازمان وکالت است. از آنجا که دسترسی همه شیعیان به امام معصوم علیه السلام ناممکن بود، حضور رابطینی متقن و قابل اعتماد که بتواند مشکل شیعه را در عصر حضور امامان علیهم السلام مرتفع کند، ضروری می‌نمود.^۴ از این رو امام صادق علیه السلام از میان اصحاب خود اشخاصی را به‌عنوان وکیل معین و به

۱. مفید، مالی، ص ۲۶.

۲. کشی، رجال، ص ۳۹۷.

۳. حسینی خامنه‌ای، پیشوای صادق، ص ۷۴.

۴. جباری، سازمان وکالت، ص ۱۷۵.

مهندسی و طراحی شبکه و کالت اقدام نمود. این وکلا با ارتباط کامل با ائمه علیهم‌السلام سؤالات مردمی را در اختیار ایشان قرار داده و جواب آن را به شیعیان انتقال می‌دادند. بدین وسیله اطلاعات جدیدی از اقصی نقاط شیعه‌نشین و وضعیت معیشتی و اجتماعی و سیاسی شیعیان در اختیار امام علیه‌السلام قرار می‌گرفت که در پیچه‌های تازه‌ای برای ائمه علیهم‌السلام جهت مدیریت جامعه شیعی می‌گشود. اوج رسالت این سازمان در دوره غیبت معصوم دوازدهم نمایان می‌شود که جامعه شیعه با مسئله عدم حضور فیزیکی امام معصوم روبه‌رو شده و حضور یک شبکه ارتباطی منسجم میان امام و شیعیان ضرورت پیدا می‌کند. از این رو یکی از علل بنیان‌گذاری این سازمان، جلوگیری از گسستن ارتباط میان شیعیان و امام در دوران غیبت است. به همین خاطر این شبکه سرّی در دوره ائمه بعد از امام صادق علیه‌السلام نیز با وسعت بیشتری ادامه پیدا می‌کند.

اگرچه فعالیت این سازمان در عصر امام صادق علیه‌السلام بسیار محدود بوده و از توسعه چندانی برخوردار نبود، ولی گزارشات منابع اولیه حاکی از آن است که در عصر امام صادق علیه‌السلام وکلایی از طرف آن حضرت برای این مهم تعیین شده و پایه‌های اولیه نظام وکالت توسط ایشان پی‌ریزی شده بود. نظر به اینکه بیشتر گزارشات فعالیت وکلای ایشان مربوط به شهر مدینه بوده و خود حضرت نیز در این شهر اقامت داشتند، مرکز اصلی فعالیت این سازمان در عصر امام صادق علیه‌السلام مدینه بوده است. یکی از وکلای امام صادق علیه‌السلام در مدینه مفضل بن عمر جعفی است که علاوه بر انجام امورات شخصی امام، به رفع مشکلات شیعیان مأموریت داشت.^۱ معلی بن خنیس نیز به‌عنوان یکی از وکلای برجسته امام علیه‌السلام علاوه بر اینکه رابط شیعیان مدینه و اطراف آن بود،^۲ برای انجام امورات به منطقه مصر نیز رفت و آمد داشته است.^۳ نصر بن قاموس لخمی به تصریح شیخ طوسی مدت بیست سال وکیل امام صادق علیه‌السلام بود، بدون اینکه وکالتش بر دیگران معلوم باشد.^۴ اگرچه منطقه محل وکالت وی در این گزارش ذکر نشده، ولی با توجه به عدم توسعه نظام وکالت در این دوره، احتمالاً وی نیز در مدینه مشغول بوده است. شیخ طوسی به وکالت عبدالرحمن بن حجاج نیز تصریح کرده و گفته است: «وکان عبدالرحمن وکیلاً لابی عبدالله و مات فی عهد الرضا علیه‌السلام». ^۵ عبدالرحمن در عصر امام صادق علیه‌السلام، در مدینه مشغول به وکالت بوده و شاهد آن دستور امام علیه‌السلام به عبدالرحمن است که فرمود: «یا عبدالرحمن!

۱. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، رقم ۱۲۰۸۴.

۲. نجاشی، رجال، ص ۴۱۷.

۳. کشی، رجال، ص ۲۴۸.

۴. طوسی، الغیبه، ص ۳۴۷.

۵. همان.

کلم اهل المدینة فانی احب ان یری فی رجال الشیعه مثلک.»^۱

اگرچه فعالیت عمده نظام وکالت در عصر امام صادق علیه السلام در مدینه بود، ولی گزارشات متعددی از فعالیت وکلای آن حضرت در مناطق دیگری همچون خراسان، اهواز و کوفه وارد شده است. درخصوص خراسان می‌توان به گزارشات قطب‌الدین راوندی اشاره کرد. وی روایات متعددی نقل کرده که بر وجود ارتباط مالی میان شیعیان خراسان و دفتر سازمان وکالت در مدینه دلالت می‌کند. طبق روایتی «مردی از اهل خراسان بر امام علیه السلام وارد شد. حضرت سؤال کردند: فلانی چه کرد؟ مرد خراسانی جواب داد: خبر ندارم. حضرت فرمود: من به تو خبر می‌دهم؛ او کنیزی را به همراه تو برای ما ارسال کرد، ولی ما را نیازی بدان نیست. مرد پرسید: چرا؟ حضرت فرمود: زیرا تو رعایت حدود الهی را درباره کنیز نکردی و شبی در کنار نهر بلخ (جیحون) فعلی را که نبایست، انجام دادی.»^۲

طبق گزارشی دیگر، دو تن از اصحاب امام صادق علیه السلام که حامل اموالی از خراسان برای حضرت بودند، وقتی به ری رسیدند، در آنجا نیز یکی از شیعیان کیسه‌ای مشتمل بر دو هزار درهم به آنان داد تا به حضرت برسانند. این دو صحابی حضرت با وجود مراقبتی که داشتند، در نزدیکی مدینه کیسه را مفقود یافتند. وقتی به حضور امام رسیدند، معلوم شد آن جناب شبانگاه به‌جهت نیاز به آن مال، از طریق یکی از جنیان، کیسه را وصول نمودند.^۳

این نقل‌ها به‌خوبی حاکی از ارسال هدایا و وجوه شرعی از سوی شیعیان خراسان به حضور امام صادق علیه السلام به‌عنوان رهبر سازمان است. همچنین می‌توان احتمال داد که این دو نفر، وکلای اعزامی و سیار حضرت به ناحیه خراسان برای جمع‌آوری وجوه شرعی و ... بوده‌اند. شاهد آن نیز عکس‌العمل منصور است که به قصد کشف رابطه امام علیه السلام با منطقه خراسان، یکی از جاسوسان خود را در لباس شیعیان به خراسان می‌فرستد تا به صورت نمایشی، اموالی را از خراسان نزد امام صادق علیه السلام و بعضی رهبران علویان ببرد و نام هر کدام که پذیرفتند را به منصور گزارش کنند؛ ولی این توطئه با هوشیاری امام صادق علیه السلام خنثی شد.^۴

درخصوص منطقه اهواز، از مجموعه وصایای امام صادق علیه السلام به عبدالله بن جندب می‌توان احتمال داد که وی وکیل آن حضرت در این منطقه بوده است.^۵ لکن آنچه بدان تصریح شده، وکالت وی از امام کاظم و امام رضا علیه السلام می‌باشد.

۱. کشی، رجال، ص ۴۴۲.

۲. راوندی، الخوارج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۱۰.

۳. همان، ص ۷۷۷.

۴. همان، ص ۷۲۱.

۵. حرانی، تحف العقول، ص ۳۰۷ - ۳۰۱.

درباره کوفه اگرچه تصریحی نسبت به اعزام وکیل به این منطقه در عصر امام صادق علیه السلام دیده نمی‌شود، ولی ارتباط امام علیه السلام با این منطقه به وسیله برخی شیعیان برقرار بود. به عنوان نمونه علی بن عقبه مسائل و مشکلات شیعیان کوفه را به مدینه نزد امام صادق علیه السلام منتقل کرده و سپس پاسخ آن حضرت را به کوفه باز می‌گردانید.^۱ از دیگر مناطق فعالیت شبکه وکالت در عصر امام صادق علیه السلام گزارشی دیده نمی‌شود؛ ولی در دوره‌های بعد فعالیت این سازمان توسعه یافته و بیشتر مناطق سرزمین‌های اسلامی را فراگرفت.

با توجه به شواهد فوق می‌توان گفت طراحی اولیه و مهندسی شالوده‌های نظام سازمان وکالت در عصر امام صادق علیه السلام و توسط ایشان انجام شده است. البته توسعه ابعاد مختلف فعالیت آن در دوره‌های بعدی تحقق یافته و به مرحله مدیریت و اجرا درآمده است.

د) شکل‌گیری و پویایی فقه شیعی

از ثمرات مهم مهندسی فرهنگی امام صادق علیه السلام شکل‌گیری چارچوب فقه شیعی می‌باشد. در این خصوص نقش سازنده امامین صادقین علیهم السلام در شکوفایی فقه جعفری و نظام حقوقی شیعه، امری مسلم و از بدیهیات تاریخی است. مفتی تراشی و استخدام فقهای وابسته و در انزوا قرار دادن پیشوایان بزرگ خاندان نبوت، از حربه‌های مهم سیاسی و فرهنگی خلفای معاصر ائمه معصومین علیهم السلام بوده که در زمان امام صادق علیه السلام بیش از هر زمان دیگری ظهور و بروز پیدا می‌کند. در این دوره حکومت وقت می‌کوشید افرادی را که خود مدتی شاگرد مکتب آن حضرت بودند، در برابر مکتب امام علیه السلام بر مسند فتوا و فقاہت نشانده و مرجع خلق معرفی نماید. به عنوان نمونه منصور، مالک بن انس را مفتی رسمی و سخنگوی بنی‌عباس در مدینه اعلام کرد: «جز مالک بن انس و ابن‌ابی‌ذئب کسی حق ندارد در مسائل اسلامی فتوا دهد.»^۲ مالک بر اثر پافشاری منصور، کتاب *الموطأ* را نوشت. سپس حکومت وقت با تمام امکانات به ترویج و نشر فتاوی‌وی پرداخت تا بتواند مردم را از مکتب امام صادق علیه السلام دور نگه دارد. منصور به مالک می‌گفت: «اگر بتوانم، فتاوی‌وی تو را مثل قرآن نوشته، به تمام شهرها خواهیم فرستاد و مردم را وادار خواهیم کرد به آنها عمل کنند.»^۳

جریان چنین تبلیغات شدیدی در جامعه اسلامی، تفکر شیعی را در درازمدت با بحران مواجه می‌کرد. از این رو تهدید مهمی برای مکتب شیعه شکل گرفته بود که نیاز به مقابله داشت.

۱. مامقانی، *تنقیح المقال*، ج ۳، رقم ۱۱۳۹۳.

۲. ابن‌خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۴، ص ۱۳۵.

۳. ذهبی، *تذکره الحفاظ*، ج ۱، ص ۲۱۲.

امامین صادقین علیهم السلام با دوراندیشی و تشخیص شرایط به وجود آمده، چنین تهدیداتی را به فرصت تبدیل کرده و به مهندسی و طراحی شالوده‌های فقه شیعه همت گماشتند.

امتیاز مهم فقه جعفری، فتح باب استنباط احکام است که کاربرد یک باب معرفت‌شناسی در این حوزه را دارد. وقتی باب استنباط مفتوح باشد، هر دانش‌آموخته‌ای می‌تواند به نوآوری بپردازد و هیچ‌گاه محدودیتی برای معلومات و استنتاجات خود قائل نمی‌شود. به تعبیری دیگر، هر دانش‌آموخته‌ای برای خود رسالتی می‌بیند که اگر در آموخته‌هایش ابهام دارد، رفع ابهام کند و نارسایی‌ها را تکمیل کند و بر آنچه آموخته، بیفزاید.

امام صادق علیه السلام حتی در زمان خویش به دانش‌آموختگان فقهی خود توصیه می‌کرد در صورت عدم دسترسی به امام معصوم، خود به استنباط احکام پرداخته و بر مبنای نظر خود عمل کنند؛ حتی نتایج استنباط خود را به دیگران هم انتقال دهند. دیگران نیز مجاز بودند در صورت عدم دسترسی به امام معصوم علیه السلام به فقهایی که در حد شاگردان امام صادق علیه السلام بودند، مراجعه کنند، از آنها فتوا بگیرند و طبق آن عمل کنند. این طرح از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار در توسعه فقه در آن زمان به‌شمار می‌رود؛ به این معنا که اگر امام صادق علیه السلام چنین اجازه‌ای را نمی‌داد، فقه شیعه به شکل فقه بسته، محدود و جامد می‌بود که نمی‌توانست در زمان و با زمان پیش رود.

در این زمینه می‌توان به توصیه امام صادق علیه السلام به عبدالاعلی مولى آل‌سام اشاره نمود. وی به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند: لغزیدم و در اثر آن ناخنم جدا شد. مرهم و دارویی بر انگشتم قرار دادم؛ با این حالت چگونه وضو بسازم؟ حضرت فرمود: «يعرف هذا و اشباهه من كتاب الله عزوجل، قال الله تعالى: و ما جعل علیکم فی الدین من حرج امسح علیه؛^۱ حکم این مسئله و امثال آن را می‌توان از قرآن کریم دریافت. خداوند فرموده: در دین برای شما حرجی قرار داده نشده است.» در اینجا امام صادق علیه السلام با تبیین و تعلیم قاعده «لا حرج» راه استنباط احکام و حتی راه قاعده‌سازی را می‌آموزد. امام صادق علیه السلام به عبدالاعلی توصیه می‌کند به آیات قرآن مراجعه کند و قواعد فقهی را از آنها استخراج نماید. در کلام آن حضرت «ما جعل علیکم فی الدین من حرج»^۲ مبنای قاعده «لا حرج» می‌شود. این قاعده کاربرد بسیار زیادی دارد که شخص فقیه می‌تواند با استفاده از آن احکام شرعی را استنباط کند.

ظرفیت استنباط احکام از منابع در سایر مکاتب و مذاهب به این حد از وضوح و گستردگی وجود ندارد؛ چنان‌که شهید مطهری می‌فرماید: «در تمام کتب حدیث اهل تسنن: صحیح بخاری، صحیح مسلم، جامع ترمذی، سنن ابی‌داوود و صحیح نسائی، جز مسائل فرعی چیز دیگری نیست: احکام وضو

۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۶۳؛ همو، استبصار، ج ۱، ص ۷۷؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۶۴.

۲. حج (۲۲): ۷۸.

این است، احکام نماز این است، احکام روزه این است، احکام حج این است، احکام جهاد این است؛ و یا سیره است، مثلاً پیغمبر ﷺ در فلان سفر این طور عمل کردند. ولی شما به کتاب‌های حدیث شیعه که وارد می‌شوید، می‌بینید اولین مبحث و اولین کتابش کتاب العقل و الجهل است.»^۱

ه) شکل‌گیری نظام آموزشی

از دیگر پیامدهای مهم مهندسی فرهنگی امام صادق ﷺ شکل‌گیری نظام آموزشی است. نظام آموزشی امام صادق ﷺ مطابق با جدیدترین روش‌های آموزش و پرورش در جهان بوده است. حوزه درسی آن حضرت به تربیت متخصصان اهتمام نشان داده و در گرایش‌های مختلف علوم پذیرای دانشجویان بوده است. این طرحی بود که تا به آن روز در جامعه اسلامی سابقه نداشته است. این امر ریشه در دو ویژگی موجود در خود امام صادق ﷺ دارد: اول ابتکار، مهندسی و طراحی آن حضرت که توانست دانشگاهی با قابلیت و ظرفیتی عظیم در رشته‌های متفاوت ایجاد کند و دوم، توان علمی خود امام ﷺ که در همه علوم به‌عنوان یک متخصص و مرجع به‌شمار می‌آمد.

نویسنده کتاب الامام الصادق ﷺ كما عرفه علماء الغرب می‌گوید:

وقتی انسان آثار امام صادق ﷺ را مورد بازبینی قرار می‌دهد، خواننده گاه گمان می‌کند که در برابر یک دانشمند شیمی قرار دارد و گاه خود را در برابر یک عالم فلکی می‌انگارد و گاه در برابر طبیبی حاذق که بدن انسان را تشریح و امراض و اسقام و علل و طرق معالجه آن را بیان می‌کند و وقتی به علوم انسانی و معنوی بازمی‌گردد، در برابر خویش عالمی ربانی و چهره ملکوتی مشاهده می‌کند.^۲

در نظام تعلیم و تربیت امام صادق ﷺ برای طالبان علم، محدودیت مرزی، مذهبی، فکری، سیاسی، سنی و ... وجود ندارد. نظام آموزشی آن حضرت تبلور یک دانشگاه فراملی و فرامذهبی و جهان‌شمول است که همه افراد از هر نوع جریان فکری و از هر منطقه جغرافیایی با هر نژاد و زبانی می‌توانند در آن فعالیت علمی نمایند. ایشان می‌فرماید: «حکمت گم‌شده مؤمن است؛ پس هر جا که یکی از شما گم‌شده‌اش را یافت، آن را فراگیرد.»^۳ حاصل ابتکار امام صادق ﷺ در راه‌اندازی یک نظام آموزشی بسیط و جهان‌شمول، تربیت دانشمندانی بود که در مواردی از بنیان‌گذاران علوم و فنون بوده و نقش سازنده‌ای در پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا نمودند. به‌عنوان نمونه جابر بن حیان،

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۸، ص ۷۷.

۲. آل علی، الامام الصادق كما عرفه علماء الغرب، ص ۴۳.

۳. کلینی، الروضة من الکافی، ص ۱۶۷.

پدر علم شیمی بارها خود را شاگرد امام صادق علیه السلام خوانده و مطالبی از آن حضرت نقل کرده است.^۱ پژوهش در نظام آموزشی امام صادق علیه السلام جایگاه ویژه‌ای داشته است. امام علیه السلام به پرورش شاگردان دانش‌پژوه اهتمام خاصی داشته و با تشویق، روحیه پژوهش را در آنها تقویت می‌کرد. شاگردان حضرت تألیفات خود را بر ایشان عرضه کرده و آن حضرت نیز پس از بررسی، آنها را تصحیح یا تأیید می‌نمود. به‌عنوان نمونه، عبیدالله بن علی حلبی کتاب خود را بر امام عرضه کرد و حضرت نیز آن را صحیح دانست.^۲

پرسش‌گری، روحیه تحقیق و پژوهش را تقویت می‌کند و زمینه‌های توسعه معرفت و شناخت را فراهم می‌نماید. از این رو ایشان برای تفهیم بهتر مسائل علمی، بر پرسش تأکید داشت و به شاگردانش می‌فرمود: «پرسید از من، پیش از آنکه مرا از دست بدهید.»^۳

امام صادق علیه السلام با طراحی و مهندسی یک نظام آموزشی منسجم توانست شاگردان^۴ و متخصصان

۱. جابر بن حیان، *رسائل*، ص ۵۷۱.

۲. نجاشی، *رجال*، ص ۲۳۱.

۳. قاضی نعمان بن محمد، *شرح الاخبار*، ج ۱۴، ص ۲۹۲.

۴. محققان در نوشته‌های مربوط به امام صادق علیه السلام چهار هزار شاگرد برای آن حضرت عنوان کرده‌اند. البته برخی از ایشان هیچ سندی بر این مدعا ذکر نکرده‌اند. به‌عنوان نمونه، اسد حیدر بدون ذکر سند می‌نویسد: «چنان‌که گفته‌اند، شرکت‌کنندگان در این مدرسه به چهار هزار نفر می‌رسید.» (اسد حیدر، *الامام الصادق و المذاهب الاربعه*، ج ۱، ص ۱۵۶) طبرسی نیز بدون ذکر سند می‌نویسد: «فان اصحاب الحديث قد جمعوا اسامی الرواة عنه من الثقات علی اختلافهم فی المقالات فکانوا اربعة آلاف رجل.» (طبرسی، *اعلام الوری*، ص ۲۸۴) محمد علی دخیل در این خصوص بی‌جهت ادعای تواتر کرده و می‌نویسد: «لقد تواتر النقل علی ان الرواة عن ابي عبدالله الصادق اربعة آلاف رجل.» (دخیل، *امتنا*، ج ۱، ص ۴۱۵) وی به مناقب این شهر آشوب و کشف الغمه اربلی استناد کرده است. بعد از بررسی منابع، این نتیجه حاصل می‌شود که دو منبع از منابع اولیه به این گزارش اشاره کرده‌اند. اولین منبع، کتاب احمد بن عقده (م ۲۳۰ ق) است. وی در کتاب مستقلی تعداد چهار هزار نفر از شاگردان امام صادق علیه السلام را با آوردن روایت هر کدام نام برده است. منبع دوم کتاب *الارشاد* شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) است که می‌نویسد: «فان اصحاب الحديث قد جمعوا اسامی الرواة عنه من الثقات علی اختلافهم فی المقالات فکانوا اربعة آلاف رجل.» (مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۱۷۹) در واقع هر کس سندی در این خصوص ذکر کرده، به یکی از این دو منبع ختم می‌شود. به‌عنوان نمونه، مناقب به کتاب ابن عقده و کشف الغمه به *الارشاد* مفید استناد کرده است. طبرسی نیز اگرچه سندی نیاورده، ولی عبارتش عین عبارت *الارشاد* است.

گزارش دیگر در خصوص شاگردان امام صادق علیه السلام روایت حسن بن علی الوشاء است. وی می‌گوید: «نهصد نفر راوی را در مسجد کوفه دیدم که همگی از جعفر بن محمد علیه السلام نقل روایت می‌کردند.» (نجاشی، *الفهرست*، ص ۳۹) با توجه به این روایت، اگر امام صادق علیه السلام فقط در مسجد کوفه این تعداد شاگرد راوی داشته باشد، وجود چهار هزار نفر شاگرد اعم از راوی و غیر راوی در تمام نقاط جهان اسلام امر بعیدی نخواهد بود. همچنین اگر کتاب ابن عقده را پذیرفتیم، به راوی بودن این چهار هزار نفر شاگرد اذعان کرده‌ایم. لکن اثبات ثقه بودن این تعداد - چنان‌که شیخ مفید بدان تصریح کرده - امری مشکل است؛ به‌خصوص که در منابع اولیه هیچ شاهی بر این مطلب یافت نمی‌شود.

بسیاری را تربیت و به جامعه اسلامی تحویل نماید و از این طریق نقش سازنده‌ای در پویایی تمدن اسلامی ایفا کرد.

نتیجه

مهندسی فرهنگی امام صادق علیه السلام ثمرات و نتایج ارزنده‌ای برای جامعه اسلامی، به‌خصوص جامعه شیعه در پی داشته است. توسعه تشیع و مفاهیم شیعی از پیامدهای مهم تلاش فرهنگی آن حضرت به‌شمار می‌رود. در دوره‌های قبلی شیعه در صحنه‌های سیاسی و فرهنگی در حاشیه بوده و به‌لحاظ کمی و کیفی نقش قابل توجهی نداشته است. در پی طراحی‌های امام علیه السلام و فعالیت‌ها و تبلیغات شاگردان آن حضرت، عقاید شیعی از مرزها عبور کرد و دامنه فعالیت‌های شیعیان روز به روز گسترده‌تر شد. همچنین به‌دنبال طرح‌های فرهنگی امام صادق علیه السلام ساختار فرهنگ شیعی نظام‌مند شده و انسجامی شایسته پیدا کرد. عقاید و باورهای شیعه در موضوعات گوناگونی چون امامت، تولی و تبری و دیگر مباحث کلامی جهت گرفت و آداب و رسوم جامعه شیعه تکمیل گردید. تشکیلات سیاسی شیعه که به سازمان و کالت موسوم شده است، از ابتکارات آن حضرت بود که در دوره‌های بعدی با وسعت بیشتری تداوم یافت. همچنین از شکل‌گیری و پویایی فقه شیعه و تشخیص آن به نام «فقه جعفری»، همواره به‌عنوان مهم‌ترین ثمره تلاش فکری امامین صادقین علیهم السلام یاد می‌شود که در این میان امام صادق علیه السلام به‌لحاظ بسترهای مناسب دوره ایشان، سهم عمده‌ای داشته است. طراحی نظام آموزشی منسجم با ویژگی‌های بی‌سابقه، تربیت متخصصین شایسته‌ای را به ارمغان آورد که به نوبه خود از مهم‌ترین حافظان مرزهای عقیدتی شیعه در دوره‌های بعدی به‌شمار می‌آیند. از این رو امام صادق علیه السلام به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین رهبران فکری جهان اسلام، نقش شایسته‌ای در پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا کرد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آل علی، نورالدین، الإمام الصادق كما عرفه علماء الغرب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
۴. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، قم، نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن خلکان، احمد بن ابراهیم، وفيات الاعیان، قم، منشورات شریف رضی، ۱۳۶۴.
۶. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد، مناقب آل ابی طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
۷. ابن طاووس، سید عبدالکریم، فرحة الغری، قم، انتشارات رضی، بی تا.

۸. ابن طاووس، علی بن موسی، *اللهورف فی قتلی الطفوف*، قم، منشورات شریف رضی، ۱۴۰۷ ق.
۹. _____، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، قم، دارالزخائر، ۱۴۱۱ ق.
۱۰. ابن طیفور، *بلاغت النساء*، قم، مکتب بصیرت، بی تا.
۱۱. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبین*، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۱۲. احسائی، ابن ابی جمهور، *عوالی اللئالی*، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۵ ق.
۱۳. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمّة فی معرفة الائمة*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشم، ۱۳۸۱ ق.
۱۴. اسد حیدر، *الامام الصادق و المذاهب الاربعه*، بیروت، دار الکتب العربی، چ ۲، ۱۳۹۰ ق.
۱۵. انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، سخن، ۱۳۸۲.
۱۶. بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۱۷. پیروزمند، علیرضا، *مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی*، قم، فجر ولایت، چ ۳، ۱۳۸۹.
۱۸. جابر بن حیان، *رسائل جابر بن حیان*، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۲۷ ق.
۱۹. جباری، محمدرضا، *سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲.
۲۰. حر العاملی، محمد بن الحسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. حرانی، ابومحمد، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۲۲. حسینی خامنه‌ای، سید علی، *پیشوای صادق*، تهران، سید جمال، ۱۳۸۳ ق.
۲۳. خویی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال حدیث*، قم، مدینه العلم، بی تا.
۲۴. دخیل، علی محمد، *ائمنا*، بیروت، دارالمرتضی، ۱۴۱۵ ق.
۲۵. ذهبی، شمس‌الدین محمد، *تذکره الحفاظ*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۶. راوندی، قطب‌الدین، *الخرائج و الجرائح*، قم، مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۲۷. رشاد، علی اکبر، «مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی»، *ماهنامه زمانه*، تیرماه ۱۳۸۴.
۲۸. زراری، احمد بن محمد، *رساله ابی‌غالب الزراری*، تحقیق محمدرضا حسینی، قم، مرکز البحوث و التحقیقات الاسلامیه، ۱۳۶۹.
۲۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *التوحید*، بیروت، دار مکتبه الهلال، چ ۱، ۲۰۰۹ م.
۳۰. _____، *امالی*، قم، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲.
۳۱. _____، *علل الشرائع*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۲، ۱۳۸۵ ق.
۳۲. _____، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۲ ق.
۳۳. طبرسی، احمد بن ابی طالب، *احتجاج*، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، بی تا.
۳۵. طبری، عمادالدین، *بشارة المصطفی*، النجف الاشراف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۳ ق.

- ۵۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۴، بهار ۹۲، ش ۱۰
۳۶. طوسی، محمد بن حسن، *استبصار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
۳۷. _____، *الغیبه*، تحقیق عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۳۸. _____، *امالی*، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۳۹. _____، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۴۰. _____، *رجال*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ ق.
۴۱. قاضی نعمان بن محمد، *شرح الاخبار فی فضائل ائمة الاطهار*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۴۲. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم، مؤسسه دارالکتب، ۱۴۰۴ ق.
۴۳. کشی، محمد بن عمر، *رجال*، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول الکافی*، تهران، دارالاسوه للطباعة و النشر، چ ۱، ۱۴۱۸ ق.
۴۵. _____، *الروضه من الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۶. گیدنز، آنتونی، *جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.
۴۷. لالائی، ارزینه، *الفکر الشیعی المبکر تعالیم الامام محمد الباقر*، بیروت، دارالساقی، ۲۰۰۴ م.
۴۸. مامقانی، ملا عبدالله، *تنقیح المقال*، نجف، مکتبه الرضویه، ۱۳۵۰ ق.
۴۹. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۵۰. مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب و معدن الجوهر*، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۲۱ ق.
۵۱. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ۱۴۲۱ ق.
۵۲. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۸.
۵۳. مفید، محمد بن محمد، *الاختصاص*، بی جا، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
۵۴. _____، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۵۵. _____، *الامالی*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۵۶. نجاشی، احمد بن علی، *الفهرست*، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
۵۷. _____، *رجال*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
۵۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ ق.
۵۹. نوری طبرسی، حسین، *مستدرک الوسائل*، بیروت، آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
۶۰. هاشم معروف الحسنی، *اخبار و آثار ساختگی*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.